

# The Appearance of the Legitimacy Discourses of Iran's Islamic Governments in the Architecture and Ornaments of Astan-e Quds-e Razavi

Saeed Amirhajloo<sup>1</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

(Received: 09.07.2023, Revised: 20.07.2023, Accepted: 28.08.2023)  
<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31205.1186>

## Abstract:

After the burial of Imam Reza (PBUH) in Sanabad at Noghhan during the third century AH, the development of the holy shrine of Razavi began. The tomb became a center for the formation of the city of Mashhad near ancient Tus. During the later centuries, rulers and governors supported the development of the holy shrine and its architectural ornaments. The questions in the article are: What was the relationship between the architecture of the holy shrine and the political and religious legitimacy of the sultans? In other words, how are the discourses of the legitimacy of the Islamic rulers, including political and religious legitimacy, manifested in the architecture and ornaments of Astan-e Quds-e Razavi? Two purposes have been pursued in this paper. The first is to explain the position and importance of Imam Reza (PBUH) and his guardianship among the Shiite and Sunni kings of Iran. The second one is to show the influence of Astan-e Quds-e Razavi on the legitimacy of the governments. Therefore, the process of building formation was studied. Then the role of Sunni and Shiite rulers was analyzed in the development of the shrine, and it was explained that they appealed to Astan-e Quds to gain legitimacy. The results show that in the discourse of the political and religious legitimacy of Islamic rulers, the personality of Imam Reza (PBUH) and his tomb in Khorasan had a central position. Therefore, the development of architecture and its ornaments was considered as a tool and method for gaining legitimacy. In this way, in addition to the Shiite sultans, some of the most fanatical Sunni sultans were also aware of the legitimacy of the Imam's rule in the eyes of the people, and they built or renovated the buildings of the holy shrine and decorated it with architectural ornaments in order to gain political and religious legitimacy and to guarantee their rule.

**Keywords:** Architecture of Astan-e Quds-e Razavi, Ornaments of Imam Reza Shrine, Sunni and Shiite Sultans, Political Legitimacy, Religious Legitimacy.

---

<sup>1</sup> Email: [s.amirhajloo@modares.ac.ir](mailto:s.amirhajloo@modares.ac.ir)

How to Cite: Amirhajloo, S. (2023). The Appearance of the Legitimacy Discourses of Iran's Islamic Governments in the Architecture and Ornaments of Astan-e Quds-e Razavi. *Journal of Applied Arts*, 3(1), 23-42.  
Doi: 10.22075/AAJ.2023.31205.1186.

# بازتاب گفتمان‌های مشروعیت حکومت‌های ایرانی در معماری و تزیینات آستان قدس رضوی

سعید امیرحاجلو<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸. تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹. تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶  
مقاله علمی-پژوهشی  
<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31205.1186>

## چکیده

گسترش حرم مطهر رضوی از سده سوم هجری در پی دفن پیکر مطهر امام‌رضا(ع) در سناباد نوغان آغاز شد و مدفن امام(ع) به کانونی برای شکل‌گیری شهر مشهد در نزدیکی طوس باستان تبدیل گردید. پس از آن، حکام و رجال با اهداف مختلف و خاص، از بازسازی حرم و آراستن آن حمایت کردند؛ اما مسئله اصلی، زمینه‌ها و محرک‌های مهم برای توجه به معماری و تزیینات آستان قدس رضوی است. پرسش این است که اهتمام در بازسازی بناهای حرم و آراستن آن با زینت‌های معمارانه، چه نقشی در مشروعیت سلاطین داشته و گفتمان‌های مشروعیت حاکمان دوران اسلامی، چگونه در معماری و تزیینات آستان قدس نمود یافته است؟ بر پایه پرسش فوق، این فرضیه مطرح شده که سلاطین سنی و شیعه ایران، پایه‌های مشروعیت حکومت خود را استوار بر جایگاه امام‌رضا(ع) در باور جامعه می‌دیدند و با بازسازی یا آراستن حرم و اتصال و پیوند با خاندان امامت، در پی کسب مشروعیت نزد عموم جامعه بودند. هدف مقاله، نشان‌دادن جایگاه حضرت رضا(ع) در نزد سلاطین شیعه و سنی ایران و نقش معماری و تزیینات آستان قدس در مشروعیت‌بخشی به حکومت‌های ایرانی است. داده‌ها به روش اسنادی گردآوری شده و به تحلیل نقش حاکمان سنی و شیعه در روند گسترش حرم و آرایه‌های معماری آن و مشروعیت‌خواهی آنان در سایه توسعه معماری و تزیینات آستان قدس پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد در گفتمان مشروعیت سیاسی و مذهبی حاکمان، شخصیت امام‌رضا(ع) و مدفن ایشان جایگاه محوری داشت و توسعه معماری و تزیینات آن، ابزار و روشی برای کسب مشروعیت محسوب می‌شد. افزون بر سلاطین شیعه، برخی از متعصب‌ترین سلاطین سنی‌مذهب نیز با آگاهی از مشروعیت ولایت امام نزد عموم مردم، به ساخت یا بازسازی بناهای حرم و آراستن آن اقدام کرده‌اند تا مشروعیت سیاسی و دینی حکومت را تضمین کنند.

واژه‌های کلیدی: معماری آستان قدس رضوی، تزیینات حرم امام‌رضا(ع)، سلاطین سنی و شیعه، مشروعیت سیاسی، مشروعیت دینی.

<sup>1</sup> Email: s.amirhajloo@modares.ac.ir

## مقدمه

پس از شهادت امام رضا(ع)، پیکر مطهر ایشان در سناباد نوغان به خاک سپرده شد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۹) و شهر مشهدالرضا با محوریت مدفن امام(ع) و در پی گسترش دو شهر طابران و نوغان در ناحیه طوس در صدر اسلام شکل گرفت. در فرایند گسترش تدریجی مشهدالرضا و به دنبال آن، گسترش حرم مطهر امام رضا(ع) از سده سوم و چهارم هجری، بسیاری از حکام ایرانی نقش آفرینی کرده‌اند (رک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۰؛ بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۳۹/۲؛ لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۲۹). یورش مغولان و ویرانی طوس و نیشابور نیز به توسعه نوغان و طابران سرعت بخشید. در پی آن، گسترش آستان قدس و بازسازی ساختارهای معماری و تزیینات آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ اما مسئله اصلی، زمینه‌ها و محرک‌های مهم برای توجه به معماری و تزیینات آستان قدس رضوی است و به نظر می‌رسد، یکی از این محرک‌ها یا عوامل، استفاده باورمندانه یا ابزاری سلاطین از مجموعه بناهای حرم امام رضا(ع) برای کسب مشروعیت سیاسی و مذهبی است.

بر پایه مسئله فوق، این پرسش مطرح می‌شود که اهتمام در بازسازی بناهای حرم و آراستن آن با زینت‌های معمارانه، چه نقشی در مشروعیت سلاطین داشت؟ به بیان دیگر، گفتمان‌های مشروعیت سیاسی و مذهبی حاکمان دوران اسلامی، چگونه در معماری و تزیینات آستان قدس رضوی نمود یافته است؟ بنابراین، هدف مقاله حاضر، نشان دادن جایگاه و اهمیت حضرت رضا(ع) و ولایت او نزد سلاطین شیعه و سنی ایران و نقش معماری و تزیینات آستان قدس رضوی در مشروعیت‌بخشی به حکومت حاکمان ایرانی است.

از آنجایی که شناخت روند تحولات آستان قدس رضوی به‌عنوان کانون اصلی و مهم شیعیان در ایران، اهمیت زیادی برای جامعه ایرانی دارد، آگاهی از عوامل و زمینه‌های توسعه آستان قدس رضوی در طول دوران اسلامی نیز ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش در تقریب مذاهب و وحدت شیعه و سنی اهمیت دارد و نقش روشنگرانه‌ای در برابر اقدامات جریان‌ات رسانه‌ای و تبلیغی تکفیری دارد.

## پیشینه پژوهش

مجموعه آستان قدس رضوی همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته و هریک با رویکردهای هنری، زیباشناسانه یا فنی به مطالعه آن پرداخته‌اند. از مهم‌ترین پژوهش‌ها درباره تحولات آستان قدس رضوی، مقالاتی است که در دو کنگره جهانی حضرت رضا(ع) در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در مشهد ارائه شده است. همچنین در نشریه «نامه آستان قدس» مقالات زیادی درباره آستان قدس منتشر شده است. این نشریه پس از انقلاب اسلامی با نام «مشکوه» تداوم یافته است. در مقاله «ابنیه آستان قدس رضوی»، به بررسی تحولات معماری آن پرداخته شده است (اعتضادپور، ۱۳۴۴). این تحولات در مقاله‌ای دیگر با همین عنوان در نشریه نامه آستان قدس در چند قسمت بررسی شده است (رضوان، ۱۳۴۲؛ رضوان، ۱۳۴۱). در کتاب *بناهای تاریخی خراسان* نیز تاریخچه‌ای از مشهد و بناهای تاریخی آن، از جمله بخش‌هایی از حرم مطهر آمده است (مقری، ۱۳۵۹). تاریخچه ساخت‌وسازهای حرم رضوی در دو مقاله «تاریخ بنای حرم مطهر» (مولوی، ۱۳۴۴) و «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی» (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸) روایت شده است. همچنین مؤتمن

(۱۳۴۸) روند ساخت‌وسازهای حرم مطهر را در کتابی با عنوان *راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی* شرح داده است. مقاله «تصویر شهر مشهد و حرم مطهر امام‌رضا(ع) در سفرنامه واضح»، چاپ شده در نشریه‌ی مطالعات اسلامی نیز حاوی توصیفاتی از حرم رضوی در سده‌های متأخر اسلامی است (میرزایف، ۱۳۵۳). عطاردی (۱۳۷۱) در کتاب *تاریخ آستان قدس رضوی*، به بررسی روند تحولات تاریخی آستان قدس رضوی پرداخته است. در مقاله «حرم امام‌رضا(ع) در گذر تهاجمات»، که در مجله‌ی زائر به چاپ رسیده است، تاریخ برخی از خرابی‌های حرم روایت شده است (اسکندری، ۱۳۷۸). همچنین زنگنه (۱۳۸۰) در مقاله «حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن»، در نشریه‌ی مشکوه به بررسی برخی رویدادهای مهم و تحولات آستان قدس در دوران اسلامی پرداخته است. هیرادفر و همکاران (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ی «سیر تحول ساختار کالبدی حرم مطهر رضوی و بافت پیرامون آن از زمان گذشته تا معاصر»، در مجله‌ی پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، به بررسی سیر تحول ساختار کالبدی حرم مطهر رضوی و بافت پیرامون آن از ادوار گذشته تا عصر حاضر پرداخته و نقش حرم مطهر را در توسعه‌ی شهری مشهد تبیین کرده‌اند.

افزون بر اینها، شماری از پژوهش‌های علمی درباره آرایه‌های معماری آستان قدس رضوی به انجام رسیده که در اغلب آنها، به صورت موردی، به بررسی هنری یا محتوایی آرایه‌ها به ویژه کتیبه‌ها پرداخته شده است. برای نمونه، وحیدیان (۱۳۴۲) در مقاله‌ی «کتیبه‌های آستان قدس؛ کتیبه ازاره دارالسعاده»، انتشار یافته در نامه آستان قدس، کتیبه ازاره دارالسعاده آستان قدس در شرق رواق گنبد حاتم‌خانی

و غرب ایوان طلای صحن نو را توصیف نموده و به معرفی شاعر قصیده این کتیبه و خطاط آن پرداخته است. شایسته‌فر (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضمونی کتیبه‌های گنبد الله‌وردی خان در حرم مطهر امام رضا (ع)» چاپ شده در کتاب ماه هنر، به مطالعه کتیبه‌ها پرداخته است. شش کتیبه الواح طلایی روی صندوق چوبی مزار امام رضا (ع) به خط علیرضا عباسی و ساخته مستعلی زرگر نیز در مقاله‌ی «کتیبه آیه‌الکرسی علیرضا عباسی در موزه آستان قدس رضوی» انتشار یافته در نشریه‌ی آستان هنر، معرفی شده است (نعمتی، ۱۳۹۱). آیت‌اللهی و عابد دوست (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ی «بررسی مفاهیم نمادین درخت، سب و قنديل در محراب زرین‌فام آستان قدس رضوی با توجه به آیات قرآن کریم» در نشریه‌ی آستان هنر، به مطالعه مفاهیم نمادین در محراب زرین‌فام آستان قدس پرداخته‌اند. اما بیشتر بر مفاهیم قدسی و مفهوم ستایش پروردگار در آرایه‌ها تمرکز داشته‌اند. اعظم نظرکرده (۱۳۹۳) نیز در مقاله-ی «بررسی اسناد تشکیلات نظام زیارتنامه خوانی در آستان قدس رضوی» که در پژوهشنامه‌ی مطالعات اسنادی و آرشیوی به چاپ رسیده است، به بررسی کاشی‌کاری حرم و اماکن متبرکه رضوی از دوره صفوی تا قاجار پرداخته و ۹۳۰ سند موجود در آرشیو مدیریت اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس درباره کاشی و کاشی‌کاری در حرم مطهر را مطالعه کرده است. از مجموعه کتاب‌های شاهکارهای هنری آستان قدس نیز سه جلد کتاب با عناوین *کتیبه‌های مسجد گوهرشاد*، *کتیبه‌های صحن عتیق و کتیبه‌های صحن آزادی* منتشر شده که در آنها به بررسی تاریخچه کتیبه‌ها، بررسی ساختاری و محتوایی آنها پرداخته شده است

### مفاهیم و چهارچوب نظری

مشروعیت در لغت به معنای حقانیت و قانونی بودن است؛ اما از این واژه در دو بافت سیاسی و مذهبی، تعاریف و مفاهیم جزئی تری ارائه می‌شود. به بیان دیگر، با شکل‌گیری گفتمان‌های مشروعیت سیاسی و مذهبی، مختصات و مفاهیم متفاوتی برای انواع مشروعیت مطرح شده است. در گفتمان‌های مشروعیت سیاسی، مشروعیت به معنای «هماهنگی میان شیوه به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران با نظریه‌ها و باورهای اکثریت مردم جامعه و پذیرش حق فرماندهی رهبران و وظیفه فرمان‌بری جامعه یا شهروندان» آمده است (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۱۲۶). مشروعیت، اساس و پایه هر حاکمیتی است که هم‌زمان به دو موضوع متقابل اشاره دارد؛ یکی ایجاد حق حکومت برای فرمانروا و دیگری شناسایی و پذیرش این حق از سوی فرمان‌بردار. از آنجایی که دوام و قوام حاکمیت‌ها بسته به مشروعیت آن‌هاست، حکومت‌های غاصب و غیرمشروع نیز در تلاش بوده‌اند به شکلی حاکمیت خود را با نوعی از مشروعیت، هرچند کاذب، بیارایند (شجاعی‌زند، ۱۳۷۵: ۱۶۸).

ماکس وبر<sup>۱</sup> به وجود سه نوع مشروعیت سنتی، عقلایی و کاریزماتیک قائل است؛ اما در سلسله‌های مختلف پادشاهی ایران، از ورود اسلام تا مشروطه، مشروعیت سنتی-کاریزمایی غالب بوده است. مشروعیت سنتی در انواع حکومت‌های موروثی-سلطنتی دیده می‌شود و پادشاهان بی‌نیاز از تبرک کلیسایی یا بیعت عمومی، مشروعیت خود را از دودمان و سلسله‌ای دریافت می‌کنند که خود را برگزیده بی‌واسطه الهی می‌دانند. مشروعیت کاریزمایی نیز از دعوی یک رهبر فرزانه کسب می‌شود (همان: ۱۶۹). درعین حال، در گفتمان مشروعیت سیاسی

(صحرارگرد، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶). کتیبه‌های مذهبی ایوان‌های صحن عتیق نیز در مقاله «تحلیلی بر مضامین کتیبه‌های مذهبی ایوان‌های صحن عتیق حرم مطهر رضوی»، در فصلنامه نگره، مورد مطالعه قرار گرفته است (رحیم‌زاده تبریزی و همکاران، ۱۴۰۰).

در مقاله حاضر، تحولات معماری آستان قدس در بسترهای سیاسی و مذهبی مطالعه شده است؛ بنابراین، نوآوری مقاله حاضر، بررسی گفتمان‌های مشروعیت سیاسی و مذهبی در حکومت‌های ایرانی بر اساس نمودهای عینی معماری و تزیین است. بدین ترتیب، تلاش شده بر پایه تطبیق منابع تاریخی و شواهد هنری و معماری، میزان اهتمام حاکمان به حفظ و گسترش مجموعه بناهای حرم و تزیینات معمارانه آن تبیین شود و با تأکید بر جایگاه والای امام‌رضا(ع) در میان اهل سنت و شیعیان، نقش ابنیه آستان قدس و آرایه‌های معماری آن در مشروعیت‌بخشی به سلاطین واکاوی گردد.

### روش پژوهش

داده‌های اولیه بر پایه اشارات منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناسی و هنر و معماری گردآوری شده و پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. بر این اساس، تلاش شده با مطالعه سیر تاریخی شکل‌گیری ابنیه و تزیینات آستان قدس رضوی و بانیان آن‌ها، به تحلیل نقش حاکمان سنتی و شیعه در گسترش معماری و آرایه‌های حرم و مشروعیت‌خواهی حاکمان در سایه توسعه آستان قدس رضوی پرداخته شود.

ماکس وبر، مشروعیت سیاسی با قدرت و سلطه و خشونت ملازم است و افراد جامعه به دو گروه حاکم و محکوم یا مطاع و مطیع تقسیم می‌شوند و این رابطه، یک رابطه کلی و مطلق است (سلطانی و یحیایی، ۱۳۸۹: ۱۶۷ و ۱۶۸)؛ درحالی‌که در گفتمان مشروعیت سیاسی میشل فوکو، تقسیم جامعه به دو گروه فرمانروا و فرمان‌بردار نفی می‌شود و قدرت فقط در قالب «سلطه» نمی‌گنجد؛ یعنی رابطه میان حاکم سیاسی و جامعه، یک رابطه مطلق و کلی نیست و دارای سطوح مختلفی دانسته می‌شود و ممکن است یک جامعه، جنبه‌هایی از قدرت و اختیارات حاکم را بپذیرد و بخش‌هایی را نپذیرد (همان).

نوع دیگری از مشروعیت در میان حکومت‌های ایرانی، با نام «مشروعیت دینی» قابل‌تعریف است که جایگاهی میان مشروعیت کاریزمایی و سنتی دارد؛ یعنی مشروعیتی که ریشه و جان‌مایه خود را از شخصیت‌های کاریزماتیک دینی و ارزش‌ها و احکام سفارش‌شده از سوی آن‌ها می‌گیرد و درعین‌حال، پس از ماندگارشدن در فرهنگ قومی، به‌عنوان میراث سنتی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۷۵: ۱۷۱).

بر این اساس، در این مقاله، بازتاب گفتمان‌های مشروعیت سیاسی و مذهبی در معماری و تزیینات آستان قدس رضوی مورد توجه قرار گرفته و اهمیت معماری و تزیین بناهای حرم رضوی در مشروعیت‌خواهی حاکمان، در دو بُعد سیاسی و مذهبی، تبیین شده است.

### سیر تحولات ساخت‌وساز بقعه امام‌رضا(ع) در صدر اسلام

در پی شهادت حضرت رضا(ع) و خاک‌سپاری پیکر مطهر ایشان در باغ پیرامون کاخ حمید بن قحطبه،

حاکم طوس، در روستای سناباد نوغان (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۹)، مزار آن حضرت به‌عنوان زیارتگاه مسلمانان به همت حکام، بزرگان و متمولان توسعه یافت. در منابع تاریخی به بقعه‌ای اشاره شده که از زمان خاک‌سپاری، بر فراز مدفن حضرت ساخته شده بود. همچنین تاریخ نخستین تلاش‌ها برای تعمیر اساسی و تزیینات معماری بقعه، دوره دیلمیان ذکر شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۰). در روزگار آل‌بویه، پیروان تشیع امامیه همواره به یکدیگر کمک‌های مالی می‌کردند و بزرگان و سلاطین آل‌بویه از پایتخت، ری، پیوسته صدقات و نذوراتی را برای مشهدالرضا(ع) می‌فرستادند (مظاهری، ۱۳۵۳: ۵). در روزگار رکن‌الدوله، روضه رضویه چنان آباد شد که کینه خلیفه بغداد را در پی داشت (همان: ۱۹). همچنین علی فخرالدوله قبل از وفات پدرش رکن‌الدوله، سال‌ها مقیم مشهد طوس بود. همسر و پسر او رستم مجدالدوله نیز مخارج آستان رضوی را تأمین می‌کردند (همان: ۱۰).

در اواسط سده چهارم هجری، به‌ویژه از زمان ناصرالدوله سبکتگین غزنوی، تعصب شدید فقهای سنتی‌مذهب حنفی و کرامی در ملوک غزنه تأثیر زیادی گذاشت و قتل‌عام رعایا و بزرگان در طوس و قهستان و خوارزم اوج گرفت (همان: ۳). در چنین فضایی، سبکتگین به تخریب روضه امام و سقف و دیوارها دست زد و مردم را از بازسازی و زیارت آن منع کرد؛ اما در سال ۴۰۰ق با تلاش ابوبکر شهرد، پیشکار فایق خادم خاصه، بنای آجری روی بازمانده دیوارهای گلی ساخته و مناره‌ای به آن افزوده شد (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۳). این مناره، امروزه روی ایوان طلای صحن کهنه با فاصله کمی از گنبد قرار دارد. در سال ۴۱۵ق سلطان محمود درپی خوابی که دیده بود، به

«یکون لهذه الامه اثنا عشر خلیفه ... کلهم من قریش»  
(نقل از احمد بن حنبل) (زینلی، ۱۳۸۶: ۱۳۰ و ۱۳۱).  
تعداد زیادی از دانشمندان اهل سنت، حدیث فوق  
را با سند صحیح در آثار خود ثبت کرده‌اند. حاکم  
نیشابوری، سیوطی، خطیب بغدادی، ابونعیم اصفهانی،  
ابوالقاسم طبرانی، عسقلانی، خطیب تبریزی و  
ناصرالدین البانی از آن جمله‌اند (همان: ۱۳۱).

روایت دوم از صحابی دیگر پیامبر(ص)، ابوجحیفه  
است که از رسول خدا نقل کرده: «لایزال امر اُمّتی  
صالحاً حتی یمضی اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش.»  
روایت سوم از عبدالله بن مسعود، صحابی دیگر پیامبر  
است که همین جمله را در توصیف خلفای پس از  
پیامبر بیان کرده است. این حدیث در آثار محدثان  
شیعه قبل از قرن سوم هجری دیده نمی‌شود و  
محدثان اهل سنت، آن را زودتر از شیعیان بیان  
کرده‌اند؛ بنابراین شائبه جعل حدیث توسط شیعیان از  
بین می‌رود (همان: ۱۳۲-۱۳۴). این حدیث یکی از  
محکم‌ترین دلایل حقانیت ولایت ائمه اطهار(ع) و یکی  
از مهم‌ترین علل گرایش حاکمان به بزرگداشت مقام  
ائمه(ع) و اهل بیت پیامبر(ص) است. بر پایه پذیرش  
این احادیث و روایات می‌توان دلایل توجه برخی از  
سلاطین اهل سنت به بازسازی حرم مطهر رضوی و  
تبدیل مجموعه بناهای حرم به بستری برای توسعه  
هنرهای کاربردی و آرایه‌های معماری را تفسیر کرد.

**گسترش بقعه مطهر در سده‌های میانی اسلامی**  
ملکشاه سلجوقی، از سلاطین خوش‌قلب، ژرف‌اندیش و  
اهل مدارا با ادیان دیگر، به‌ویژه مسیحیان بود. وی  
همراه وزیرش خواجه نظام‌الملک در سفری به  
مشهدالرضا، به زیارت و دعا پرداخت تا خداوند او را در  
حکومت فیروزی دهد (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

بازسازی گنبد و بقعه اقدام کرد (لاکهارت، ۱۳۴۵:  
۱۲۹؛ مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳). دختر سلطان  
محمود نیز تزئین دیوارهای بقعه را بر عهده گرفت  
(لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۲۹). با اینکه سلطان محمود اهل  
تسنن و بسیار متعصب بود و حتی به قتل فقهای  
شیعه در ری دستور داده بود، اقدام او در ساخت بقعه  
و گنبد و اقدام دخترش در افزودن تزئیناتی بر  
دیوارهای بقعه، نشانگر جایگاه ویژه امام(ع) و اهل بیت  
پیامبر(ص) در نزد او بود. بیهقی در معرفی برخی از  
بزرگان دربار غزنوی، از موقوفات آنان برای عمران  
مشهدالرضا یاد کرده است. وی از ابوالفضل سوری بن  
معز، یکی از کارگزاران غزنویان در نیشابور نام برده  
که روستایی آباد را وقف بقعه کرد و بناهای بسیار و  
مناره‌ای بر آن افزود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۳۹).

به نظر می‌رسد بزرگان و حاکمان اهل سنت در  
صدر اسلام نیز بر ولایت ائمه معصوم(ع) اعتقاد  
داشته‌اند یا به آن تظاهر می‌کرده‌اند. شاید بتوان دلیل  
این اعتقاد را در حدیثی از پیامبر(ص) جست‌وجو کرد  
که از سه صحابه پیامبر به سه روایت، اما با مضمون  
یکسان نقل شده است. حدیث اول از جابر بن سمره  
صحابی پیامبر(ص) است که محدثان و بزرگان اهل  
سنت آن را به صورت‌های زیر روایت کرده‌اند:  
«لایزال الامر قائماً حتی یکون اثنا عشر أمیراً» (نقل از  
حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری در *التاریخ  
الکبیر*).

«یکون اثنا عشر أمیراً، فقال کلمه لم اسمعها فقال ابي  
انه قال: کلهم من قریش» (نقل از حافظ ابو عبدالله  
بخاری در *صحیح بخاری*).  
«یکون من بعدی اثنا عشر أمیراً کلهم من قریش»  
(نقل از ترمذی در *کتاب الفتن*).

کاشی‌ها، آیات و احادیث و کلمات قصار است و در چند جا تاریخ‌های ۵۱۲، ۶۱۲ و ۷۶۰ ق ثبت شده است. به نظر می‌رسد اغلب این کاشی‌ها در روزگار سلطان سنجر تهیه شده و اختلاف تاریخ‌ها مربوط به مرمت‌های مختلف آن‌هاست (مؤتمن، ۱۳۳۹: ۵۶). همچنین زمردملک دستور داد قرآن کریم را به خط خوش در جزوه‌هایی نوشتند و آن را وقف بقعه ساخت (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۴). سلطان محمد خوارزمشاه نیز در زمان سلطنت خود، سنگاب مدوری را وقف آستان قدس کرد که تاریخ ۵۹۷ق و نام سلطان بر آن دیده می‌شود. این سنگاب اکنون در موزه آستان قدس محفوظ است (بینش، ۱۳۴۷: ۷۵ و ۸۱) (تصویر ۱).



تصویر ۱- سنگاب سلطان محمدخوارزمشاه در آستان قدس رضوی (URL1)

بنابراین، با وجود گرایش سلطان ملکشاه به تسنن، زیارت و دعا در جوار بقعه حضرت رضا(ع) حکایت از دوستی یا تظاهر به دوستی ملکشاه به امام(ع) دارد. در سال ۵۱۶ق نخستین سنگ مزار کتیبه‌دار امام‌رضا(ع) به ابعاد ۴۰×۳۰×۶ سانتی‌متر روی قبر مطهر نصب شد (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۳)؛ اما بقعه مبارک در تهاجم ترکان غز به مشهد و طوس در سال ۵۴۸ق آسیب شدیدی دید (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴). سال بعد، شرف‌الدین ابوطاهر قمی با هزینه خود یا کالتاً از جانب سلطان سنجر، آن را بازسازی کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۰). زمردملک، خواهرزاده سلطان سنجر، ازاره‌های حرم را با کاشی‌های هشت‌ضلعی، شش‌ضلعی و مربعی نفیس کتیبه‌دار آراست (پوپ، ۱۳۴۶: ۸۵). موضوع نوشته‌های

خراسان منصوب شده و در سال ۶۹۴ق به دین اسلام گرویده بود (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۳)، دستور بازسازی گنبد را صادر کرد. غازان خان پس از اسلام‌آوردن، مدتی بر مذهب تشیع و مدتی بر مذهب تسنن بود. بنای کامل گنبد فعلی حرم مربوط به این دوره است

شش سال قبل از حمله مغول، تزیینات ورودی پیش‌رو، کاشی‌های اطراف در، صقه و چند محراب کامل شده بود. در پی هجوم تولی‌خان مغول به مشهد، بنای حرم آسیب دید و اموال و اسباب آن غارت شد؛ اما غازان‌خان که از طرف پدرش ارغون به حکومت



شاید قبل از دارالسیاده و مسجد گوهرشاد ساخته شده و یکی از بناهایی بوده که ابن بطوطه از آن یاد کرده است (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). شاهرخ، فرزند امیر تیمور، به مشهد علاقه زیادی داشت (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). اگرچه تشخیص تمایلات مذهبی شاهرخ دشوار است و میزان اعتقاد قلبی او به مذاهب اسلامی روشن نیست، او و سلاطین پس از وی تا پایان حیات تیموریان، از احترام و بزرگداشت سادات و ائمه اطهار (ع) لحظه‌ای فروگذار نکردند. در زمان او شیعیان قدرت زیادی گرفتند (رفیعی، ۱۳۸۱: ۲۶۶). او در مشهد، قصر و چهارباغی ساخت و چند ماه از سال در آن اقامت می‌کرد. در زمان شاهرخ، چند رواق در حرم، مسجد و مدرسه در مشهد بنا شد (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به دستور او، چهل چراغی زرین به وزن سه هزار مثقال برای آویختن در مرقد ساخته شد (تتوی، ۱۳۸۲: ۵۱۱۶/۷). مسجد جامع گوهرشاد نیز در سال ۸۲۱ق در سایه حمایت گوهرشاد، همسر شاهرخ تیموری، در جنوب حرم تکمیل شد. دو رواق بزرگ دارالحفاظ و دارالسیاده تقریباً در همین دوره ساخته شدند (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷؛ عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۴ و ۱۲۵). مدرسه دودر نیز توسط یکی از سرداران شاهرخ، به نام غیاث‌الدین یوسف در سال ۸۴۳ق ساخته شد (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۴). در موزه حرم، پنجره مشبک فولادی به ابعاد ۱ در ۱/۲۷ متر با کتیبه‌های طلایی وجود دارد که به دستور شاهرخ در سال ۸۱۷ق ساخته شده است (مولوی، ۱۳۴۴: ۳۶) (تصویر ۲).

(زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۵). رشیدالدین فضل‌الله همدانی، دین‌داری غازان خان را عمیق و قلبی دانسته (همدانی، ۱۳۶۸: ۱۶۶) و به زیارت‌های وی از مزار امام‌رضاع) و ائمه دیگر اشاره کرده است (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۵۹). محمد اولجایتو، ملقب به خدابنده و پیرو تشیع، با شور بیشتری کار بازسازی را پی گرفت و بقعه و گنبد و آرایه‌های معماری آن را نوسازی کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۲-۵۰). تا آن زمان، حرم شامل بقعه، برخی بناهای کوچک در ضلع شمالی بقعه و مسجد بالاسر بود. مسجد بالاسر بازمانده یک دوره غزنوی است و به نظر می‌رسد به پیشنهاد ابوالحسن عراقی، یکی از دبیران سلطان مسعود غزنوی ساخته شده است (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵). ابن بطوطه در همین دوران، یعنی سال ۷۳۴ق، آرامگاه امام‌رضاع) را مرکب از گنبدی بزرگ و مسجد و مدرسه‌ای در کنار آن معرفی کرده که همگی به کاشی آراسته شده بودند. به گفته او روی قبر امام، صندوقی چوبی با پوشش صفحات نقره قرار داشت و قندیل‌های نقره از سقف مقبره آویزان بود. آستانه در بقعه از نقره و جلوی آن، پرده ابریشم زردوزی و داخل بقعه با فرش‌های گوناگونی مفروش بود (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۴۱). در زمان حکومت تیموریان، بیشترین و باشکوه‌ترین بناها به حرم افزوده شد. غیر از مسجد بالاسر و راهروها، هیچ‌یک از بناهای مجاور حرم که ابن بطوطه ذکر کرده، در پایان دوره مغول باقی نمانده بود. احتمالاً تنها یک مسجد کوچک در غرب رواق دارالسیاده و تقریباً به موازات بقعه باقی مانده بود که



تصویر ۲- پنجره فولاد مشبک با تاریخ ۸۱۷ هجری و جزئیات کتیبه فوقانی آن با نام شاهرخ تیموری (برگرفته از: URL2، ویرایش عکس از نگارنده)

۱۳۴۵: ۱۳۱) و گنبد به خشت‌های طلا آراسته گردید. به دستور وی در سال ۹۵۷ق ضریحی چوبی ساخته و ۱۶۶ قطعه مشبک و به‌هم‌پیوسته از جنس طلا روی صندوق مقبره نصب شد (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸). پس از مرگ شاه طهماسب، جنازه‌اش پشت سر حضرت رضا(ع) به خاک سپرده شد. شاه طهماسب، املاکی را خریداری و عواید آن را صرف فتیله عنبر حرم مطهر و حفاظ مزار خود کرده بود (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱ و ۱۲۲).

در عصر شاه عباس اول، همانند زمان شاهرخ تیموری، بناها و تزیینات بسیاری به آستان افزوده شد. ساخت ایوان شمالی صحن کهنه با راهرو و اتاق‌هایی بر بالای آن، سردرها و ایوان‌های بزرگ شرقی و غربی صحن، رواق توحیدخانه در شمال بقعه، گنبد الله‌وردیخان در شرق توحیدخانه و دارالفیض در شمال شرقی بقعه، از

ساختمان‌های اصلی صحن کهنه و ایوان طلایی جنوبی در صحن کهنه نیز با پشتیبانی امیرعلیشیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا بنا شد (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۳۱). همچنین بنای گنبددار ساده‌ای معروف به گنبد آپک میرزا در محل نیمه شمالی رواق دارالسلام ساخته شد. آپک میرزا پسر سلطان حسین بایقرا آخرین سلطان تیموری بود (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷).

### نقش سلاطین ایرانی دوران متأخر اسلامی در گسترش حرم مطهر رضوی

اسکندربیک ترکمان، از توجه سلاطین صفوی و اقدام آن‌ها در عمران و آبادی مشهدالرضا و موقوفات آن یاد کرده است (اسکندربیک منشی، ۱۳۶۴). در سال ۹۳۲ق به دستور شاه طهماسب، مناره جانب شمالی صحن کهنه بازسازی و طلاکاری شد (لاکهارت،

پس از عصر صفوی، نادرشاه افشار، مشهد را به پایتختی خود برگزید. اگرچه نادر در سال‌های آخر زندگی به شدت با روحانیون شیعه مخالف بود، یکی از بنیان بزرگ حرم به شمار می‌آید (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۳۵). نادرشاه، ایوان ضلع جنوبی صحن کهنه را در سال‌های ۱۱۴۵ و ۱۱۴۶ق و مناره بالای آن را در سال ۱۳۴۲ بازسازی و طلاکاری کرد. او همچنین مناره بالای ایوان ضلع شمالی همین صحن را در ۱۱۴۵-۱۱۴۶ق ساخت و زراندود کرد. نادر پس از ساخت سقاخانه اسماعیل طلایی در صحن کهنه، نهر آبی را وقف کرد که از میان سنگ موجود در سقاخانه می‌گذشت (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰). نادر چهارده زوج مزرعه دهشک را وقف سقاخانه اسماعیل طلایی کرد تا از عواید آن، آب در اختیار زائران قرار دهند. او همچنین یک فندیل طلای میناکاری مرصع با قفل طلای مرصع به آستان قدس تقدیم کرد (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

عادل‌شاه، جانشین نادرشاه، اسامی موقوفات و تعداد رقبات وقفی آستان قدس را در طوماری ثبت کرد. همچنین او برای نظم آستانه مقدسه احکامی صادر و به کارگزاران روضه مبارکه ابلاغ کرد. این طومار اکنون در آستان قدس رضوی محفوظ است (همان: ۱۱۵ و ۱۱۶). در سال ۱۱۶۰ق به دستور شاهرخ، نوه نادرشاه، ضریحی مرصع و فولادی، معروف به ضریح نگین‌نشان در آستانه مقدس نصب شد (تصویر ۳). این ضریح اکنون در زیر ضریح امروزی جای دارد (قصابیان، ۱۳۸۰: ۱۰۸ و ۱۰۹).

آن جمله هستند (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۷). شاه عباس در سال ۱۰۱۰ق در سفر از اصفهان به مشهد، دستور گسترش صحن کهنه و آراستن مناره و گنبد با طلا را داد (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۳۲). گنبد الله‌وردیخان با کاشی‌های نفیس در ازاره‌ها به دستور الله‌وردیخان، حاکم فارس ساخته شد (همان: ۱۳۲). با این‌همه، هنگام حمله عبدالؤمن خان ازبک، حاکم بلخ، خزانه حرم به تاراج رفت و طلای روکش گنبد و مناره برای ضرب سکه و مصرف هزینه‌ها برچیده شد (اسکندریک، ۱۳۶۴: ۳۰۷/۲).

در دوران حکومت شاهان بعدی صفویه، فعالیت‌های ساختمانی آستان قدس به تعمیرات محدود شد. ایوان شمالی صحن کهنه یا ایوان عباسی، در سال ۱۰۵۹ق به دستور شاه عباس دوم بازسازی شد (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۳۳). همچنین کتیبه روی استوانه گنبد طلا، بیانگر تعمیرات گنبد به دستور شاه سلیمان پس از زلزله ویرانگر سال ۱۰۸۴ق است (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰). بازسازی مسجد گوهرشاد، مدرسه دودر، مدرسه پریراد، مدرسه بالاسر و مدرسه پایین‌پا نیز پس از ویرانی‌های زلزله سال ۱۰۸۴ق به دستور شاه سلیمان صورت گرفت (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۷؛ عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). در تعدادی از کتیبه‌های اماکن متبرکه و مساجد شهر مشهد و پیرامون آن، نام شاه صفی آمده که بیانگر اقدامات وی در تعمیرات بناهای مشهد است. سلطان حسین صفوی نیز در یکی از سفرهای خود به مشهد مقدس، چند قطعه ملک در عشرت‌آباد، علی‌آباد و ابراهیم‌آباد خریداری و وقف آستان قدس کرد (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱).



تصویر ۳- ضریح فولادی مرصع حرم امام‌رضاع) و جزئیات در ورودی و تزیینات آن (برگرفته از جلالیان، ۱۳۹۸: ۸۴، ۸۹ و ۹۲، ویرایش و مونتاژ عکس‌ها از نگارنده)

مشهد رسید (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۱۶). علاوه بر این‌ها، نام محمدشاه، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه در کتیبه‌هایی بر کاشی‌ها و قاب‌های مرمر آستانه و درهای ورودی و ایوان‌های صحن کهنه و نو ثبت شده است. این موارد به بازسازی یا دیگر خدمات آن‌ها در حرم و مناطق دیگری از شهر مشهد اشاره دارد (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱).

### بحث و تحلیل

مطالعه رویدادهای عصر مأمون عباسی، بیانگر مشروعیت‌خواهی او بر پایه دو مفهوم مشروعیت سیاسی و مشروعیت مذهبی است. وی پس از تکیه بر مسند خلافت، در شرایط حساسی قرار گرفت؛ زیرا از یک سو به طمع جانشینی، برادرش امین را از میان برداشت و از سوی دیگر، شورش علویان تهدیدی جدی برای حکومت او محسوب می‌شد؛ چراکه در سال ۱۹۹ق، محمد بن ابراهیم طباطبا از تبار علویان قیام کرد و گروه‌هایی دیگر از علویان در عراق و حجاز دست به قیام‌هایی زده بودند و در جریان درگیری مأمون و امین و ضعف بنی‌عباس، علویان بر برخی شهرها مسلط شده بودند. همچنین ممکن بود ایرانیان به یاری علویان برخیزند؛ بنابراین در چنین فضایی، مأمون درصدد بر آمد با طرح واگذاری ولایت‌عهدی به

در دوره قاجار، ساخت‌وسازها و تزیینات زیادی در حرم به انجام رسید. آقامحمدخان در سال ۱۲۰۵ق، در لشکرکشی به خراسان، پنج قندیل طلای مرصع به لؤلؤ و جواهرات، هریک به وزن پنج من را وقف آستان قدس کرد. در عصر فتحعلی‌شاه قاجار، ضریحی فولادی به ابعاد ۳ در ۵ و ارتفاع ۲ متر روی مقبره قرار داشته که احتمالاً در اوایل دوره قاجار ساخته شده بود. این ضریح با ورق طلا پوشیده و مرصع‌کاری شده بود (همان: ۱۱۲ و ۱۱۳). همچنین به دستور فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۳۲ق و به شکرانه استیلا بر خراسان، دری مرصع و جواهرنشان در پایین پای حضرت نصب شد. بعد از مدتی این در را از محل خود برداشته و در زیر گنبد بالای سر مبارک گذاشتند (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۹). مهم‌ترین اقدام قاجاریان، ساخت صحن نو (آزادی) در شرق حرم در سال ۲۳۲ق به امر فتحعلی‌شاه بود که ۲۳ سال بعد در زمان محمدشاه کاشی‌کاری شد. ایوان غربی صحن نو، ایوان ناصری یا ایوان طلا، در سال ۱۲۸۲ق به دستور ناصرالدین شاه طلاکاری شد (مؤتمن، ۱۳۴۰: ۵۸ و ۵۹؛ مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱). سیدمحمدحسین عضدالملک، موقوفات و رقبات ثبت‌شده آستان قدس را گردآوری و در سال ۱۲۷۳ق در طوماری به نام طومار عضدالملک ثبت کرد. این طومار به امضای ناصرالدین شاه و ۳۹ نفر از علمای

امام‌رضا(ع) نخست، پایه‌های لرزان حکومت خود را تثبیت کند، دوم، جلوی شورش علویان را بگیرد و رضایت آن‌ها را فراهم سازد، سوم، ایرانیان را آماده پذیرش خلافت خود کرده و چهارم، مشروعیتی سیاسی و دینی کسب کند (ابن‌بابویه، ۱۳۸۹: ۳۱). حتی وی پس از مسموم کردن امام‌رضا(ع) و شهادت ایشان، برای جلب‌نظر شیعیان، امام را در باغ حمید بن قحطبه در کنار مقبره پدرش هارون‌الرشید به خاک سپرد و نخستین بقعه را روی مدفن امام‌رضا(ع) برپا کرد (مولوی و شهرستانی، ۱۳۴۴: ۱۰۸). اگرچه ساخت بارگاه و بقعه بر فراز قبور در مرکز خلافت اسلامی مرسوم نبود و پیامبر(ص) نیز بر تسویه‌القبور تأکید داشت (برای منع ساخت آرامگاه در صدر اسلام، نک: هیلن‌برند، ۱۳۸۷: ۲۵۳)؛ اما اقدام مأمون در برپایی ساختمانی ویژه به‌عنوان آرامگاه برای حضرت رضا(ع) را می‌توان در راستای مشروعیت‌خواهی و تلاش او برای همسوکردن جامعه با حکومت تفسیر کرد. بنابراین، نخستین گرایش‌ها به امام‌رضا(ع) به‌منظور بهره‌برداری سیاسی از نام و جایگاه او و کسب مشروعیت حکومت، دقیقاً در زمان حیات و شهادت ایشان، توسط مأمون صورت پذیرفت و پس از آن توسط دیگر حاکمان و پادشاهان تداوم یافت.

اهتمام به بازسازی و تأمین مخارج بناهای حرم مطهر رضوی از سوی سلاطین و بزرگان دیلمی، ازجمله رکن‌الدوله، علی فخرالدوله و رستم مجدالدوله نیز در راستای گفتمان مشروعیت سیاسی و مذهبی آنان تفسیرپذیر است؛ زیرا بزرگان و سلاطین آل‌بویه به‌عنوان نخستین حامیان رسمی مذهب تشیع، مشروعیت خود را در پیوند با خاندان امامت جست‌وجو می‌کردند. در اوایل دوره غزنویان، اگرچه بهره‌گیری از مذهب تسنن در جهت‌گیری‌های سیاسی و حکومتی

شدت گرفت، محمود غزنوی رابطه میان محافظه‌کاری سیاسی و دینی را درک می‌کرد و بدین سبب حامی علما و شیوخ بود (یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). با وجود طرفداری و تعصب شدید محمود غزنوی به مذهب تسنن، به‌ویژه در فرق حنفی و شافعی، برخورد او با صوفیان، سادات علوی، ذمیان (زرتشتیان و مسیحیان و یهودیان) کاملاً مسالمت‌آمیز و توأم با مماشات و مدارا بود. اینان هیچ‌گونه حرکت تهدیدآمیزی علیه محمود و غزنویان و منافع و مطامع سیاسی و اقتصادی و حکومتی آنان انجام نمی‌دادند. در نتیجه، در قلمرو حکومت محمود، آزادانه با حفظ اعتقادات خود می‌زیستند (باسورث، ۱۳۶۲: ۲۰۳). در همین دوره، به دستور او بنای گنبد و بقعه مطهر بازسازی شد و خرابی‌های سبکتکین ترمیم یافت و دختر محمود غزنوی تزین دیوارهای بقعه با نقاشی و کاشی را بر عهده گرفت (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۲۹). اگرچه این نقاشی‌ها امروزه بر سطوح دیوارهای آرامگاه باقی نمانده، در مقایسه با نقاشی‌های دیواری سایر بناهای غزنوی در خراسان بزرگ، ازجمله نقاشی‌های کاخ لشکری بازار و مقبره امیرارسلان جاذب در سنگ بست، به نظر می‌رسد نقاشی‌های دیواری دوره غزنوی در بقعه امام‌رضا(ع) از همان سبک و تکنیکی پیروی می‌کرد که در همان دوره در مقبره امیرارسلان جاذب در نزدیکی مشهد اجرا شده بود؛ زیرا نقاشی‌های دیواری کاخ لشکری بازار دربردارنده مضامین غیرمذهبی و پیکره‌های درباری و غلامان و ملازمان بود؛ درحالی‌که نقاشی‌های دیواری مقبره امیرارسلان جاذب نشانگر نقوش هندسی و گیاهی بود و با فضای مذهبی آرامگاه تناسب بیشتری داشت (برای نقاشی‌های دیواری غزنوی، نک: صالحی کاخکی و تقوی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۶). همچنین، بر اساس

مقایسه با بناهای کاشی‌کاری‌شده قبل از سده ششم هجری، به نظر می‌رسد کاشی‌های بقعه در عهد غزنوی، از نوع کاشی‌های تک‌رنگ ساده یا تک‌رنگ با نقوش برجسته بوده است؛ زیرا اولاً در سایر بناهای غزنوی، استفاده کاشی‌های تک‌رنگ ساده و تک‌رنگ با نقوش برجسته (گیاهی، حیوانی، کتیبه) گزارش شده است (همان: ۱۰۳). ثانیاً تا نیمه دوم سده ششم هجری و اواخر حکومت سلجوقیان، تزیینات کاشی در بناهای اسلامی به صورت کاشی تک‌رنگ بود و از اواخر عصر سلجوقی، تکنیک‌های کاشی‌کاری زرین‌فام، معرق و سپس هفت‌رنگ رایج شد (کیانی و همکاران، ۱۳۶۲: ۱۷-۱۳). بنابراین، در دوره حاکم سنی‌مذهبی همچون محمود غزنوی، نه تنها به بازسازی بقعه اقدام شد، بلکه با آراستن آن به آرایه‌هایی نظیر کاشی و نقاشی دیواری، تلاش ویژه‌ای از سوی حاکمیت برای القای علاقه‌مندی به خاندان امامت، مشروعیت‌خواهی و جلب‌نظر جامعه صورت گرفت. در این دوره، کارگزاران حکومت نیز همسو با حاکمان، فعالیت‌های ساختمانی آستان قدس را به‌عنوان روش و ابزاری برای کمک به مشروعیت حکومت پیگیری کردند. پیش‌تر به نقش ابوالفضل سوری بن معتز، یکی از کارگزاران غزنویان در نیشابور در ساخت بناهایی در پیرامون حرم امام‌رضا(ع)، برپایی یک مناره و تأمین منابع مالی برای حفظ و نگهداری از مرقد مطهر امام‌رضا(ع) از طریق وقف روستایی آباد اشاره شد.

اگرچه در دوران سلجوقیان نیز گرایش غالب سلاطین به مذهب تسنن و فرّق حنفی و شافعی مشهود بود، اما سلاطین سلجوقی آگاهانه و سیاست‌مدارانه با تساهل و تسامح نسبت به ادیان و مذاهب دیگر به دنبال کسب مشروعیت سیاسی و ایجاد ثبات در قلمرو حکومت بودند. آنها با همین سیاست برای حدود یک سده،

حکومتی ثابت و مقتدر در قلمرو گسترده خویش تشکیل دادند. از مهم‌ترین اقدامات سلطان سنجر سلجوقی در راستای گفتمان مشروعیت‌خواهی سیاسی و مذهبی و جلب توجه شیعیان، دستور بازسازی بقعه مبارک امام‌رضا(ع) بود که با حمله ترکان غز در سال ۵۴۸ق تا حدّی تخریب شده بود. بازسازی بقعه مبارک به دستور مستقیم او و توسط وزیرش شرف‌الدین ابوطاهر قمی صورت گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۰). به عقیده برخی پژوهشگران، در همین زمان، کاشی‌های زرین‌فام نفیسی بر ازاره حرم افزوده شد که نام سلطان و سایر افرادی که در بازسازی آن نقش داشته‌اند، بر کتیبه‌های این کاشی‌ها ثبت شده است (عطاردی، ۱۳۷۱: ۱۰۵). یکی از این نام‌ها، زمردملک، خواهرزاده سلطان سنجر است که پیش‌تر درباره اقدام او در تزیین ازاره‌های حرم با کاشی‌های هشت‌ضلعی، شش‌ضلعی و مربعی نفیس کتیبه‌دار توضیح داده شد. درج این نام‌ها بر کاشی‌هایی که در نهایت نفاست و کیفیت تولید شده و مهم‌ترین بخش از آستان قدس، یعنی ازاره پیرامون مقبره را آراسته و به‌راحتی در معرض دید زوآر قرار داشت، از یک سو نشانه‌ای از تمایل یا تظاهر حاکمان به بزرگداشت مقام امام‌رضا(ع) و به‌تبع آن، مشروعیت‌خواهی آنان بود و از سوی دیگر، تلاش کارگزاران و بزرگان دربار سلجوقی را برای مشروع جلوه‌دادن حکومت نشان می‌دهد. این کاشی‌ها از چنان کیفیتی برخوردار بودند که تا امروز، بر ازاره حرم باقی مانده‌اند.

پس از حاکمیت سلجوقیان، سلطان محمد خوارزمشاه نیز نام خود را بر کتیبه سنگاب مدور وقف‌شده در آستان قدس ثبت کرد (بینش، ۱۳۴۷: ۷۵ و ۸۱) تا از این طریق، پیوندی میان نام خود با شخصیتی مقدس همچون امام معصوم برقرار کرده و مشروعیت حکومت

خود را به زائرانی القا کند که به‌طور مداوم از این سنگاب استفاده می‌کردند.

در عصر ایلخانان، مهم‌ترین تلاش‌ها به‌منظور مشروعیت‌خواهی در راستای گفتمان‌های مشروعیت دینی و سیاسی در دورهٔ غازان‌خان، اولجایتو و ابوسعید صورت گرفت. تا قبل از اینان، در سراسر مملکت ایران هیچ دینی به‌عنوان دین رسمی تثبیت نشده بود؛ اما شمار پیروان دین اسلام بسیار بیشتر از سایر ادیان بود. غازان‌خان، اولجایتو و ابوسعید تا زمانی که مقتدر بودند و از سوی امپراطوری مغول پشتیبانی می‌شدند، تمایلی به پذیرش دین غالب مردم ایران، یعنی اسلام از خود نشان نمی‌دادند؛ اما با گسستن ارتباط با عقبه و بی‌رنگ شدن صولت نظامی، به پذیرش اسلام تمایل پیدا کردند و به‌ناچار اسلام آوردند. این حاکمان که در شرایط خاصی اسلام آورده بودند، تحت‌تأثیر اوضاع مختلف، مذاهب گوناگونی را برمی‌گزیدند؛ چنان‌که غازان‌خان مدتی به مذهب شیعه گروید و سپس خود را سنی‌مذهب اعلام کرد و سرانجام رویهٔ مبهم و میانه‌ای در پیش گرفت. سلطان محمد اولجایتو نیز همین تلون و تردد را داشت. بنابراین رفتار مذهبی ایلخانان تحت‌تأثیر مقاصد سیاسی آنان قرار داشت. در پی این تغییر گرایش‌ها، اقتدار سیاسی اهل سنت نیز کاهش یافت و علمای سنی‌مذهب که تا پیش از این، شیعیان را رافضی و ملحد می‌دانستند، ضمن کنارگذاشتن عناد و سخت‌گیری‌ها، آمادهٔ مناظره و مباحثات علمی با شیعیان شدند (شجاعی‌زند، ۱۳۷۵: ۱۸۶).

به نظر می‌رسد نفوذ رشیدالدین فضل‌الله بر غازان‌خان و علامه حلی بر اولجایتو، از مهم‌ترین عوامل کاهش اقتدار سیاسی اهل سنت و افزایش اقتدار شیعیان بود (لمتون، ۱۳۷۹: ۴۷ و ۴۸). در همین دوره، سومین

مرحله از فعالیت‌های ساختمانی اساسی در حرم مطهر رضوی صورت گرفت؛ چراکه پس از حملات چنگیز مغول، خرابی‌هایی توسط او و پسرش تولی‌خان در بقعه مبارک رخ داد و با دستور غازان‌خان یا اولجایتو به بازسازی این خرابی‌ها اقدام شد (مولوی و شهرستانی، ۱۳۴۴: ۱۰۹). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مهم‌ترین فعالیت‌های ساختمانی ایلخانان در آستان قدس رضوی، ساخت نخستین گنبد حرم مطهر در زمان غازان‌خان و پوشاندن آن با تزیینات کاشی‌کاری در زمان سلطان محمد اولجایتو بود (شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۷۹). بنای بقعهٔ فعلی پیرامون ضریح مبارک، همان بنایی است که در دوران ایلخانان بازسازی شده است.

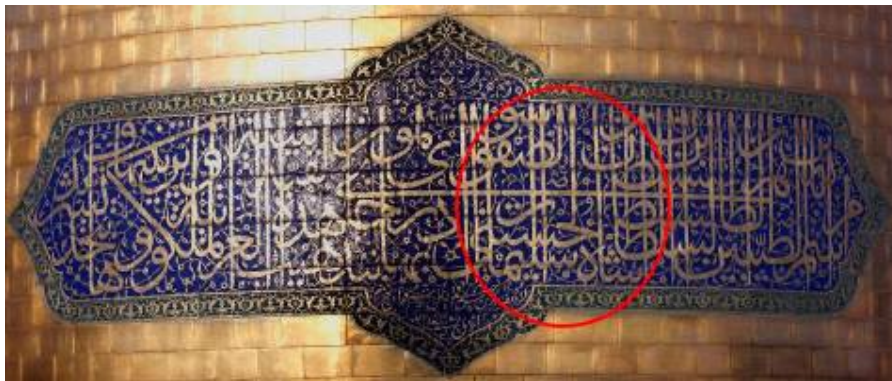
سلاطین و درباریان تیموری نیز به‌عنوان حامیان مذهب شیعه، اهتمام ویژه‌ای به فعالیت‌های ساختمانی و تزیین مجموعه بناهای آستان قدس داشتند تا از این رهگذر، علاوه بر نمایش ایمان خود به خاندان امامت، حکومت خود را مشروع و پایه‌های آن را استوار سازند. علاقهٔ شاهرخ تیموری به شهر مشهد و ساخت چند رواق در حرم، مسجد و مدرسه در این شهر به دستور او (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)، ساخت چهل‌چراغ زرین به وزن سه‌هزار مثقال برای آویختن در مرقد (تتوی، ۱۳۸۲: ۵۱۱۶/۷)، ترغیب گوهرشاد، همسر شاهرخ، به ساخت مسجد جامع گوهرشاد در جنوب حرم رضوی، ساخت رواق بزرگ دارالحفاظ و رواق بزرگ‌تر دارالسیاده و ساخت مدرسهٔ دودر توسط غیاث‌الدین یوسف، سردار شاهرخ (همان: ۱۲۴)، به‌عنوان روش‌ها و ابزارهایی برای تأکید بر حقانیت حکومت شاهرخ در گفتمان مشروعیت او اهمیت دارد. این موضوع در زمان سلطان حسین بایقرا نیز مورد توجه بود و ساخت بخش‌های اولیهٔ صحن عتیق و بناهای اصلی پیرامون

این صحن، از جمله ایوان جنوبی آن به دستور او و با پشتیبانی امیرعلیشیر نوایی را می‌توان در این زمینه توجیه کرد.

از سوی دیگر، در چرایی ساخت‌وسازهای سلاطین و درباریان شیعه‌مذهب صفوی باید گفت به همان میزان که ایمان و اعتقاد قلبی این شاهان و درباریان به ائمه اطهار(ع) نقش داشته، کسب مشروعیت دینی و سیاسی نیز اثرگذار بوده است. اقدامات شاه طهماسب، همچون بازسازی و طلاکاری منارهٔ جانب شمالی صحن کهنه (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۳۱)، آراستن گنبد با خشت‌های طلا، ساخت ضریح چوبی و پوشش آن با قطعاتی از طلا (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸) از یک سو و خاک‌سپاری او در پشت سر حضرت رضا(ع) (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱ و ۱۲۲) از سوی دیگر، نشانگر تمایلات شاه طهماسب و آگاهی او از مؤلفه‌های مشروعیت‌بخش به حکومتش بود. شاه عباس اول نیز با توسعه و تکمیل صحن عتیق، ساخت ایوان شمالی صحن عتیق با راهرو و اتاق‌هایی بر بالای آن، افزودن دو ایوان شرقی و غربی به صحن، ساخت رواق توحیدخانه در شمال بقعه و دارالفیض در شمال شرقی بقعه (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۷) و آراستن مناره‌ها، گنبد و دیگر بخش‌های حرم با الواح طلائی (لاکهارت، ۱۳۴۵: ۱۳۲)، عمق ارادت خود را به امام‌رضا(ع) و خاندان

امامت نشان داد و پایه‌های مشروعیت حکومت خود را بر این عناصر استوار ساخت. الله‌وردیخان، سردار او و حاکم فارس نیز با ساخت گنبد الله‌وردیخان و کاشی‌های نفیس در آزاره‌ها (همان)، شاه عباس را در این امر یاری کرد.

اقدامات شاهان بعدی صفویه در ساخت‌وساز و تزئین بناهای آستان قدس نیز در ادامهٔ گفتمان مشروعیت سیاسی و مذهبی پایه‌گذاران حکومت صفوی صورت گرفت. بازسازی ایوان شمالی صحن کهنه یا ایوان عباسی به دستور شاه عباس دوم (همان: ۱۳۳)، بازسازی گنبد طلا و اجرای کتیبه‌ای روی استوانهٔ گنبد به دستور شاه سلیمان (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰) (تصویر ۴)، بازسازی مسجد گوهرشاد، مدرسهٔ دودر، مدرسهٔ پریزاد، مدرسهٔ بالاسر و مدرسهٔ پایین‌پا به دستور شاه سلیمان (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۲۷؛ عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)، بازسازی تعدادی از بناهای پیرامون حرم رضوی به دستور شاه صفی و ذکر نام او در تعدادی از کتیبه‌های اماکن متبرکه و مساجد شهر مشهد و در نهایت، وقف برخی از املاک مشهد توسط سلطان حسین صفوی به منظور تأمین مخارج آستان قدس (عطاردی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)، از جملهٔ این اقدامات برای مشروعیت‌بخشی به حکومت صفویان بود.



تصویر ۴- کتیبهٔ دور ساقهٔ گنبد حرم امام‌رضا(ع) با نام شاه سلیمان (URL3)



وجود گرایش به مذهب تسنن، اهمیت میراث صفویان، یعنی تثبیت و تحکیم مذهب تشیع در ساختار جامعه ایران را درک کرده بود. بنابراین توجه او به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تشیع، یعنی آستان قدس رضوی و ساخت و طلاکاری مناره ایوان ضلع شمالی صحن کهنه، طلاکاری مناره ایوان ضلع جنوبی و بازسازی و طلاکاری این ایوان، ذکر نام او در قصیده‌ای بر خشت‌های طلایی ایوان ضلع جنوبی، ساخت سقاخانه اسماعیل طلایی و تقدیم یک قندیل طلای میناکاری مرصعی با قفل طلای مرصع به آستان قدس، در راستای مشروعیت‌خواهی او قابل تفسیر است.

در جمع‌بندی کلی باید گفت در گفت‌وگوهای مشروعیت سیاسی و مذهبی اغلب حاکمان و سلاطین در طول دوران اسلامی، فعالیت‌های ساختمانی و تزیینات معمارانه آستان قدس رضوی به‌عنوان ابزار و شیوه‌ای برای کسب مشروعیت دینی و سیاسی دانسته می‌شد و این حاکمان با حمایت از ساخت‌وساز و هنرهای زینتی وابسته به معماری، درصدد کسب رضایت جامعه شیعی بودند. بنابراین، مشروعیتی که این حکام به‌دنبال کسب آن بودند، جان‌مایه خود را از شخصیت‌های کاریزماتیک دینی و عقاید و ارزش‌ها و احکام سفارش‌شده از سوی آن‌ها می‌گرفت و این نشانگر وقوف آنان به جایگاه والای امامت، به‌ویژه مقام دینی، مردمی، سیاسی و علمی امام‌رضاع) است.

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد در گفت‌وگوهای مشروعیت سیاسی و مذهبی حاکمان اسلامی، شخصیت امام‌رضاع) و مدفن ایشان در خراسان، جایگاه محوری داشت و توسعه معماری و هنرهای وابسته به آن، به‌عنوان ابزار و روشی برای کسب مشروعیت محسوب می‌شد. بدین

بنابراین، حاکمان صفوی در ایران با القای این اندیشه‌ها که «حکام صفوی مروّجان واقعی دین هستند»، به‌واسطه ارتباط با خاندان امامت از مشروعیت زیادی برخوردارند» و «دولت صفوی، دولت موعود قبل از ظهور امام‌زمان(عج) است که وظیفه‌اش فراهم‌آوردن مقدمات ظهور است» (سقایی و بهروزی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۸۵)، در پی کسب مشروعیت سیاسی و دینی بودند. آنان سه روش تبلیغ کلامی، رفتاری و تصویری (معماری و هنر) را برای تبلیغات مذهبی و کسب مشروعیت در پیش گرفتند (همان: ۱۸۹). بر این اساس، مشهد به‌عنوان خط مقدم مقابله با حکومت سنی‌مذهب شمال‌شرقی، یعنی ازبک‌ها (همان: ۱۸۶) مورد توجه شاهان صفوی قرار گرفت. به‌دنبال آن، تلاش برای توسعه حرم مطهر امام‌رضاع) و آراستن آن به‌ویژه با کتیبه‌هایی که کارکرد رسانه‌ای و تبلیغاتی آن‌ها مقدم بر کارکردهای دیگر بود، در راستای گفت‌وگوهای مشروعیت سیاسی و دینی صورت گرفت. در پی چنین رویکرد رفتاری، جایگاه و مشروعیت حکام صفوی نزد جامعه ایرانی به حدی رسید که به گواهی شاردن<sup>۳</sup>، شاه و دربار در نگاه مردم مقدس شمرده می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۵: ۱۴۴۵ و ۱۴۴۶). بنابراین، رفتار آنان باید جلوه‌هایی از این تقدس را نشان می‌داد و توجه به معماری و تزیینات معماری در اماکن مذهبی شیعیان و سفرهای زیارتی و برگزاری مراسم مذهبی در جوار مدفن ائمه(ع)، ازجمله این رفتارها بود (سقایی و بهروزی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

به نظر می‌رسد در گفت‌وگوهای مشروعیت نادرشاه افشار نیز توجه به اصول اعتقادی شیعه و بهره‌گیری از معماری و هنرهای کاربردی به‌عنوان ابزاری برای مشروع جلوه‌دادن حکومت اهمیت داشت. نادرشاه با

ترتیب، افزون بر فعالیت‌های ساختمانی حکام شیعه که ناشی از دو مؤلفه «ایمان و اعتقاد قلبی این شاهان و درباریان به ائمه اطهار(ع)» و «کسب مشروعیت دینی و سیاسی» بود، بخشی از نوسازی‌ها و بازسازی‌های آستان قدس به دستور سلاطین سنی‌مذهب صورت گرفته است؛ چنان‌که علاوه بر حکام شیعه، همچون رکن‌الدوله دیلمی، شاهرخ تیموری، شاه طهماسب، شاه عباس اول، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان حسین، آقامحمدخان قاجار، فتحعلی‌شاه، ناصرالدین‌شاه، محمدشاه و مظفرالدین‌شاه، فعالیت‌های ساختمانی و حمایت از هنرهای وابسته به معماری در آستان قدس رضوی، توسط برخی حاکمان سنی‌مذهب، همچون محمود غزنوی، ملک‌شاه سلجوقی، سلطان سنجر سلجوقی، محمد خوارزمشاه، غازان‌خان و نادرشاه افشار، در

راستای گفتمان مشروعیت سیاسی و مذهبی حکومت تفسیرپذیر است. از سوی دیگر، برخی از رجال و بزرگان دربار سلاطین سنی‌مذهب، مانند ابوالفضل سوری بن معتز، کارگزار نیشابور در عهد غزنوی، شرف‌الدین ابوطاهر قمی، از وزرای سلطان سنجر سلجوقی و زمردملک، خواهرزاده سلطان سنجر، در زمره حامیان و بانیان ساختمان‌های آستان مقدس قرار می‌گیرند. بنابراین، سلاطین و حاکمان ایران در دوران اسلامی از مقام والای ولایت امام‌رضا(ع) و مشروعیت او در نزد عموم مردم آگاه بودند و با حمایت از فعالیت‌های ساختمانی و هنرهای وابسته به آن در آستان قدس رضوی، پایه‌های حکومت خود را استوار و مشروعیت خود را از دو منظر سیاسی و مذهبی تضمین می‌کردند.

## پی‌نوشت

- 1) Max Weber
- 2) Michel Foucault
- 3) Chardin

## فهرست منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، عابد دوست، حسین (۱۳۹۳)، بررسی مفاهیم نمادین درخت، سبزه و قنديل در محراب زرین‌فام آستان قدس رضوی با توجه به آیات قرآن کریم، آستان هنر، ۸: ۲۸-۳۴.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۹)، عیون اخبار الرضا(ع)، ترجمه محمد صالح بن محمد باقر قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- ابن بطوطه (۱۳۶۱)، سفرنامه، ج ۱، ترجمه محمد علی موحد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن حوقل، محمد (۱۳۴۵)، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، مبانی سیاست، ج ۱، تهران: توس.
- اسکندریک ترکمان (۱۳۶۴)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، تصحیح شاهرودی، تهران: نشر طلوع.
- اسکندری، علی (۱۳۷۸)، حرم امام‌رضا(ع) در گذر تهجمات، مجله زائر، ۶(۵۵ و ۵۶): ۷۹-۷۸.
- اعتضادپور، علی (۱۳۴۴)، ابنیه آستان قدس رضوی، نامه آستان قدس، ۲۰: ۷۵-۶۵.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله (۱۳۶۲)، مطلع‌الشمس؛ در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن خراسان، با مقدمه و فهرس و اهتمام تیمور برهان لیمودهی، تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).
- باسورث، کلیفورد ادmond (۱۳۶۲)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

- بینش، تقی (۱۳۴۷)، سنگاب خوارزمشاهی، نامه آستان قدس رضوی، ۳۸: ۱۰۸-۷۵.
- بیهقی، محمدبن حسین (۱۳۷۴)، تاریخ بیهقی، ج ۲، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- پوپ، آرتور اوپهام (۱۳۴۶)، حرم مطهر حضرت رضا(ع) در مشهد، ترجمه محمدعلی صیوری، نامه آستان قدس، ۲۹ و ۳۰: ۹۷-۸۴.
- تتوی، احمدبن نصرالله (۱۳۸۲)، تاریخ الفی (تاریخ هزارساله اسلام)، ج ۷، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- جلالیان، سعیده (۱۳۹۸)، ضریح نگین نشان مرقد امام(رضاع)؛ موقوفه‌ای از دوره افشاریه، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، ۷(۴): ۱۰۹-۷۷.
- حسینی، علی‌بن ناصر (۱۳۸۰)، زبدةالتواریخ؛ اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی، تصحیح محمد نورالدین، ترجمه رمضان علی روح‌الهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- رحیم‌زاده تبریزی، ملوسک، حاتم، غلامعلی، خزایی، محمد، عارف، محمد (۱۴۰۰)، تحلیلی بر مضامین کتیبه‌های مذهبی ایوان‌های صحن عتیق حرم مطهر رضوی، فصلنامه نگره، ۶۰: ۱۳۹-۱۲۳.
- رضوان، محمدحسن (۱۳۴۲)، ابنیه آستان قدس رضوی؛ ساختمان کتابخانه، نامه آستان قدس، ۱۴: ۷۱-۶۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۱)، ابنیه آستان قدس رضوی؛ آرامگاه شیخ بهایی، نامه آستان قدس، ۱۱: ۶۰-۵۵.
- رفیعی، امیر تیمور (۱۳۸۱)، سیاست مذهبی شاهرخ تیموری، نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، تهران: ۲۶۵-۲۷۸.
- زنگنه، ابراهیم (۱۳۸۰)، حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن، نشریه مشکوه، ۷۲ و ۷۳: ۱۳۵-۱۲۱.
- زینلی، غلامحسین (۱۳۸۶)، امامت و امامان(ع) در صحاح و برخی منابع معتبر اهل سنت، مجله الهیات و حقوق، ۲۴: ۱۵۴-۱۲۹.
- سقایی، سارا، بهروزی‌پور، حسین (۱۳۹۶)، نقش کتیبه‌نگاری بناها در ترویج اندیشه‌های مذهبی و مشروعیت حاکمان صفوی (مطالعه موردی بناهای اصفهان و اردبیل و مشهد)، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۵۸: ۲۲۸-۱۸۵.
- سلطانی، علی‌اصغر، یحیایی، سبحان (۱۳۸۹)، تحلیلی بر بازنمود گفتمان مشروعیت وبری در متن رسانه‌ای؛ مطالعه موردی مستند سفر انقلابی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۹: ۱۸۴-۱۶۱.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵)، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۹)، بررسی مضمونی کتیبه‌های گنبد الله‌وردی‌خان در حرم مطهر امام(رضاع)، کتاب ماه هنر، ۱۴۰: ۸۹-۷۸.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۵)، سلسله‌های اسلامی در ایران و مسئله مشروعیت، حکومت اسلامی، ۱(۲): ۲۰۶-۱۶۸.
- صالحی کاخکی، احمد، تقوی‌نژاد، بهاره (۱۳۹۶)، پژوهشی بر تزیینات معماری دوره غزنوی، پژوهش‌های تاریخی، ۳۶: ۱۱۸-۹۱.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۲)، شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی، کتیبه‌های مسجد گوهرشاد، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی، کتیبه‌های صحن عتیق، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی، کتیبه‌های صحن آزادی، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۸۰)، منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس، وقف میراث جاویدان، ۳۵ و ۳۶: ۱۲۸-۱۱۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱)، تاریخ آستان قدس رضوی، مشهد: عطارد.
- قصابیان، محمدرضا (۱۳۸۰)، ضریح مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و پیشینه آن، مجله مشکوه، ۷۲ و ۷۳: ۱۲۰-۱۰۳.
- کیانی، محمدیوسف، کریمی، فاطمه، قوچانی، عبدالله (۱۳۶۲)، مقدمه‌ای بر هنر کاشیگری ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل موزه‌ها و موزه رضا عباسی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۴۵)، مشهد، ترجمه عباس سعیدی، جستارهای ادبی، ۶ و ۷: ۱۳۹-۱۲۳.
- لمتون، آن، کی، اس (۱۳۷۹)، نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: گیو.

- مظاهری، علی (۱۳۵۳)، آستانه رضوی و شیعه در حدود ۴۰۰ هجری، فلسفه و کلام؛ معارف اسلامی، ۱۹: ۱۹-۱.
- مقری، علی‌اصغر (۱۳۵۹)، بناهای تاریخی خراسان، مشهد: اداره کل فرهنگ و هنر خراسان.
- مؤتمن، علی (۱۳۳۹)، ابنیه آستان قدس رضوی، نامه آستان قدس، ۱: ۴۹-۵۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۰)، ابنیه آستان قدس (صحن جدید)، نامه آستان قدس، ۸: ۵۶-۶۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۸)، راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی، تهران: چاپخانه بانک ملی.
- مولوی، عبدالحمید، مصطفوی، محمدتقی، شکورزاده، ابراهیم (۱۳۸۸)، سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی، ترجمه رجبعلی یحیایی، مجله وقف میراث جاویدان، ۱۷(۶۵): ۳۲-۴۹.
- مولوی، عبدالحمید (۱۳۴۴)، تاریخ بنای حرم مطهر، نامه آستان قدس، ۲۰: ۱۱۴-۱۰۳.
- مولوی، عبدالحمید، شهرستانی، محمدعلی (۱۳۴۴)، نظری به حریم پاک امام، نامه آستان قدس، ۲۰: ۱۲۰-۱۰۳.
- میرزایف، عبدالغنی (۱۳۵۳)، تصویر شهر مشهد و حرم مطهر امام‌رضا(ع) در سفرنامه واضح. مطالعات اسلامی، ۱۲، ۱-۱۳.
- نظرکرده، اعظم (۱۳۹۳)، بررسی اسناد تشکیلات نظام زیارتنامه خوانی در آستان قدس رضوی، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ۲(۲): ۹۲-۱۲۰.
- نعمتی، بهزاد (۱۳۹۱)، کتیبه آیه‌الکرسی علیرضا عباسی در موزه آستان قدس رضوی، آستان هنر، ۱: ۱۹-۱۶.
- وحیدیان، تقی (۱۳۴۲)، کتیبه‌های آستان قدس؛ کتیبه ازاره دارالسعاده، نامه آستان قدس، ۱۵: ۶۲-۵۷.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۸)، تاریخ مبارک غزالی، به‌اهتمام کارل یان، اصفهان: پرسش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، جامع‌التواریخ رشیدی، ج ۲، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز.
- هیرادفر، انسیه، ستاری‌وند، ملیحه، جولایی، شیرین (۱۳۹۹)، سیر تحول ساختار کالبدی حرم مطهر رضوی و بافت پیرامون آن از زمان گذشته تا معاصر، پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، ۳(۲۴): ۳۰۸-۲۸۱.
- هیلن‌برند، روبرت (۱۳۸۷)، معماری اسلامی؛ شکل، کارکرد و معنی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، چ ۴، تهران: روزنه.
- یوسفی، صفر (۱۳۸۷)، سیاست مذهبی در دوره نخست حکومت غزنوی، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ۴(۱۵): ۱۵۸-۱۴۱.

### منابع اینترنتی:

Website: Visit Mashhad

URL1: <https://visitmashhad.com>

Accessed at: 2023/10/10

Website: باشگاه خبرنگاران جوان

URL2: <https://www.yjc.ir/fa/news/7991343/10/10/2023>

Accessed at: 2023/10/10

Website: خبرگزاری برنا

URL3: <https://borna.news/fa/news/879262/10/10/2023>

Accessed at: 2023/10/10